

مطالعه تطبیقی رابطه متن و تصویر در نگاره «کشتن رستم سهراب را و نشانه یافتن و زاری بر او» از شاهنامه دانشگاه هاروارد، کتابخانه بریتانیا و کتابخانه ملی فرانسه

مقاله پژوهشی (صفحه ۵۹-۴۴)

ابوالقاسم دادور^۱، زینب کریمی بابااحمدی^۲

۱- استاد گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی دکترای تخصصی تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

DOI: 10.22077/NIA.2024.7664.1850

چکیده

یکی از مضامین مشترک در شاهنامه‌های مصور، نگاره «کشتن رستم سهراب را و نشانه یافتن و زاری بر او» است که براساس شیوه‌های رایج در زمانه ساخت آن، به تصویر درآمده است. این نوشتار، از منظر ماهیت و روش، توصیفی، تحلیلی - تطبیقی است که از مجموعه‌روش‌های کیفی بوده و از نظر هدف بنیادی است. جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و پیکره مطالعاتی شامل تحلیل، تطبیق و بررسی رابطه متن و تصویر در نگاره مورد پژوهش است؛ جامعه پژوهش سه نگاره از سه شاهنامه (با مضمون و شاهنامه‌های ذکرشده در عنوان) است. این نوشتار، هم‌سو با اهداف، در پی پاسخ به این سؤالات است: ۱. باوجود یکسان‌بودن مضمون، وجوه افراق و اشتراک بین نگاره‌های این پژوهش برقرار چیست؟ ۲. نحوه نمایش تصویری روایت موجود در شعر و میزان وفاداری به متن توسط نگارگر در نگاره‌های مورد پژوهش به چه ترفندهایی انجام پذیرفته است؟ نتایج حاکی از این است که نگارگران در نمایش این روایت، مانند عکاس عمل کرده و لحظه اوج تراژدی را برای مخاطب ثبت کرده‌اند که از بار دراماتیک بالایی برخوردار است. روش نمایش تراژدی رستم و سهراب در نگاره‌های مورد بررسی، نمادین است و نگارگران از فرم، رنگ، حالات و عناصر نمادین، هم‌سو با دوره ایجاد نگاره بهره گرفته‌اند. نگارگران سه نسخه، به جز بهره‌گیری از روایت ادبی در بخش‌های اصلی داستان، سایر موارد، از جمله، محیط اطراف و افراد موجود در نگاره، از خیال و ترفندهای نگارگری بهره گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: رستم و سهراب، نگارگری، شاهنامه هاروارد، شاهنامه طهماسبی، شاهنامه بریتانیا، شاهنامه مصور.

1- Email: a.dadvar@alzahra.ac.ir

2- Email: Z.Karimi@alzahra.ac.ir m

مقدمه

اهمیت شاهنامه فردوسی برای ایرانیان، سبب شده است تا در ادوار مختلف مورد توجه صاحبان قدرت قرار گیرد. یکی از نشانه‌های آن، در نگاره‌های فراوانی جلوه‌گر می‌شود که براساس شاهنامه فردوسی به تصویر کشیده شده‌اند. تحلیل و واکاوی نسخ مصور، از محورهای بااهمیت در مطالعات فرهنگی و تمدنی به شمار می‌آید. شاهنامه‌های مصور، حاوی اطلاعات تاریخی و غنای تصویری، فرهنگی و اجتماعی هستند. از نسخه‌های مصور شاهنامه، می‌توان به نسخه شاهنامه هاروارد ۱۰۹۸ هـ.ق. (۱۷۲۰ م.)، شاهنامه طهماسبی ۹۰۳ هـ.ق. (۱۵۲۵ م.) و شاهنامه کتابخانه بریتانیا ۸۹۱ هـ.ق. (۱۴۸۶ م.) اشاره کرد که نگاره مشترک «کشتن رستم سهراب» را و نشانه‌یافتن و زاری بر او» در این نوشتار، مورد پژوهش و تحلیل قرار گرفته است. در گام نخست، به معرفی و روایت «کشتن رستم سهراب» را و نشانه‌یافتن و زاری بر او» و اهمیت شخصیت‌های نگارگری شده پرداخته شده است. سپس رابطه متن و تصویر و وجوه افتراق و اشتراک نگاره مورد پژوهش به‌عنوان هدف این مقاله، در سه نسخه مصور منتخب، مورد بررسی قرار گرفته و درنهایت براساس مبانی نظری پژوهش، سه نگاره در قالب جدول تطبیقی ارائه شده است. از آنجاکه دارابودن ارزش هنری، نقش نسخ خطی در ساخت تمدن‌ها و تثبیت موقعیت ژئوپلیتیک کشورها، از دلایل اهمیت نسخ خطی است و چون یکی از نسخ مصور و بااهمیت در ایران، شاهنامه فردوسی است، ضرورت این پژوهش اثبات می‌شود. در این میان برخی نسخه‌های مصور، ازجمله شاهنامه طهماسبی، دمویت و بایسنقری به‌دلیل کیفیت تصویری و تاریخی در سال‌های اخیر مورد توجه و پژوهش قرار گرفته‌اند. در موزه‌های مطرح در سراسر دنیا نسخه‌های نفیسی از شاهنامه فردوسی نگهداری می‌شوند که نیاز به مطرح‌شدن و شناخته‌شدن و البته پژوهش و تحلیل دارند که نسخه‌های منتخب در این پژوهش از آن جمله‌اند. از دلایل انتخاب داستان و نگاره «رستم و سهراب» این بوده که یکی از چند داستان برجسته و تأمل‌انگیز شاهنامه است که در ادبیات اقوام جهان نظایری دارد و در این پژوهش به نوع روایت و شیوه پرداخت تصویری آن در ادبیات و نگارگری ایرانی پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

در سال‌های گذشته، تحقیقاتی قابل توجه و نزدیک به موضوع این مقاله انجام شده است. هم‌سو با پژوهش حاضر می‌توان به این موارد اشاره کرد: باقری خلیلی (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل معنایی بندهای شرطی در داستان رستم و سهراب» اشاره می‌کند که شرطی پیش‌بین به‌دلیل سه ویژگی «تخیل»، «تعلیق» و «تعقیب»، شرطی ناممکن به‌علت طرح ناتوانی انسان در برابر تقدیر و شرطی کارگفتی به‌سبب فراهم‌سازی بستر گفت‌وگو، بیشترین سازگاری را با داستان رستم و سهراب دارند. سالاری و دیگران (۱۴۰۲)، در مقاله «امتداد اسطوره متن رستم و سهراب در داستان شهادت حضرت علی اکبر (ع) در نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای برمبنای نظریه ژیلبر دوران»، عنوان می‌کنند که نقاشان در دو واقعه با دو جهان‌بینی متفاوت (مضمون ملی و دینی) از ساختار واحدی تبعیت می‌کنند. نقاشان قهوه‌خانه‌ای از عنصر خیال و اسطوره متن شاهنامه فردوسی به ترسیم هراس‌های شخصی و ناخودآگاه جمعی در یک روایت شیعی پرداخته‌اند. اتونی (۱۴۰۱)، در مقاله «رستم، پهلوانی از عصر شکارگری (فرضیه‌ای نو درباب خاستگاه اسطوره رستم)» بر این باور است که احتمال می‌رود رستم دستان، پهلوان حماسی، با توجه به ویژگی‌های ظاهری و انجام اعمال شمنی توسط زال (رفتارهای دوره شکارگری)، پهلوانی از عصر شکار است که پس از گذشتن از دوره‌های تاریخی، خود را در حماسه‌های اسطوره‌ای پارسی تاحدودی حفظ کرده است. سپاهی و دامنی (۱۴۰۰)، در «تاراستی و پنهان‌کاری شخصیت‌ها در داستان رستم و سهراب از منظر ادب تعلیمی» عنوان می‌کنند: با نگاهی دقیق‌تر به داستان به نظر می‌رسد که چنین مکالمات اشخاص این داستان، نشان‌دهنده این است که همگی در پنهان‌کردن حقیقت، دست دارند و همین به بروز فاجعه منتهی شده است. نصرتی و عطارزاده (۱۳۹۹)، در مقاله «نگرشی تطبیقی به ارتباط متن و زبان تصویری دست در نگاره‌های شاهنامه طهماسبی» به این نتایج اشاره می‌کنند که نگارگران شاهنامه طهماسبی در نگاره‌های خود، از حرکات دست برای نشان دادن صحنه‌های عاطفی روایت، مثل انتظار، پیروزی و شکست، شگفتی، افسوس و اندوه و رقص بهره می‌برند و بدین‌صورت، بخشی از آیین زمان خود را به گونه نمایش همبستگی میان نگارگری و شعر به

منتخب، از منظر بررسی روایت ادبی و نگاره‌های مرتبط با آن، در نسخه‌های مورد پژوهش، صورت پذیرفته است.

روایت کشتن سهراب توسط رستم در شاهنامه فردوسی

تراژدی به مثابه گونه‌ای ادبی شناخته می‌شود؛ اگرچه می‌تواند نوعی رویکرد باشد که با مناسبات اجتماعی و الگوهای معرفتی هم‌خوان است؛ به همین سبب، تحلیل فراز و فرود تراژدی در حوزه یک تمدن، می‌تواند تصویری از تحولات فرهنگی و اجتماعی آن روزگار باشد. شاهنامه در زمره اثرگذارترین آثار ادبی و حماسی جهان قرار دارد. شواهد زیادی وجود دارد که از نفوذ و تأثیر شاهنامه در سرزمین‌های بیرون از قلمرو ایران حکایت می‌کنند و اعتبار و ارزش فردوسی را در بین جهانیان اثبات می‌دارند (آیدنلو، ۱۳۹۰: ۲۷۸). رفتن رستم به شهر سمنگان، آشنایی با تهمینه، تولد سهراب، رشد سهراب و پرسش از اصل و نسب خود، لشکرکشی سهراب به ایران، توطئه افراسیاب با سرداران سپاه علیه سهراب، حمله سهراب به لشکر ایران، اسارت هجیر و نبرد با گردآفرید، رساندن خبر جنگ به کیکاووس، دعوت کیکاووس از رستم برای جنگ، درگیری لفظی کیکاووس و رستم، بازدید رستم از خیمه سهراب و کشتن ژنده‌رزم، طلب کردن نوشدارو توسط رستم از کیکاووس، عزاداری رستم و خاندان او برای سهراب در زابلستان، خلاصه‌ای از این روایت در شاهنامه است. درباره تراژدی و ویژگی‌های آن بحث و تحقیقات زیادی شده است. ارسطو^۱ از اولین کسانی است که در فن شعر در این باره به صورت فنی و دقیق سخن گفته است؛ نوعی از شعر که توصیف کننده مردم است؛ به گونه‌ای که آن‌ها را برتر از آنچه هستند، نشان می‌دهد. خواننده با قهرمانان آشنا می‌شود و در اندوه آن‌ها به احساس «ترحم»^۲ که ارسطو آن را «کاتارسیس»^۳ می‌نامد، می‌رسد. تراژدی به تعبیر فردوسی «داستانی پر آب چشم» و دارای کشمکش و جدال و جنگ‌آوری دو حقیقت است. رستم در این تراژدی دست‌بسته تقدیر است؛ خطایی انجام می‌دهد. کارها به دست او انجام می‌گیرد؛ اما نه به اراده او. اصولاً در شاهنامه نیز تقدیر برتر از نیروی تدبیر است. از و خودکامگی و نام و ننگ در وجود رستم رخنه کرده است؛ اما تراژدی رستم و سهراب از نوع بی‌خبری و نابخردی نیست. روایت رستم و سهراب

نمایش می‌گذارند. بیدختی و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله «تطبیق عنصر نوشتار و تصویر در شاهنامه بایسنقری کاخ‌موزه گلستان با تکیه بر رویکرد بینامتنیت»، با تکیه بر رویکرد بینامتنیت به قرائت تصاویر منتخبی از شاهنامه بایسنقری به عنوان بیش‌متن و تطبیق و سنجش ارتباط آن‌ها با اشعار مرتبط هریک در سروده فردوسی به عنوان پیش‌متن پرداخته‌اند. شاطری و اعراب (۱۳۹۴)، در مقاله «بررسی نگاره‌های مربوط به رستم و دیو سپید در نگارگری»، به بررسی جزئیات بیشتر و دقیق از نظر ترکیب رنگ‌ها، عناصر نقش‌شده در پس‌زمینه تصویر، نحوه چهره‌پردازی شخصیت‌ها و پوشاک آن‌ها به تفکیک ویژگی‌های شاخص پرداخته‌اند. فخر اسلام و عربیانی (۱۳۸۹) در مقاله «ژرف‌شناختی شخصیت رستم» می‌نویسند: رستم از یک منظر در چکاد بلند حماسه آورده شده و از منظری دیگر او همچنان اسطوره‌ای است. شخصیت رستم آمیزه‌ای از کنش‌های اساطیری و پهلوانی و نمادین است؛ همچنین با «سورنا» سردار اشکانی هماهنگی دارد. نقطه عطف نوشتار پیش‌رو، در تحلیل و واکاوی یکی از روایات تراژیک در اشعار ایرانی، شاهنامه فردوسی است. نگاره‌های مورد پژوهش و نمونه‌های مورد تحلیل از نسخه‌های با اهمیت انتخاب شده که کمتر به آن‌ها پرداخته شده است. تمایز این پژوهش پرداختن به دو گونه از انواع هنر است (ادبیات و نگارگری) که از هم تأثیر و تأثر پذیرفته‌اند و پرداختن به نگاره‌ها از این منظر راهی به شناخت فرهنگ درون متون ادبی و همچنین فرهنگ ایجاد نگاره خواهد گشود.

روش انجام پژوهش

این نوشتار تطبیقی، از نوع بنیادین به شمار می‌رود و مطالب این پژوهش از نوع کیفی بوده و به شیوه توصیفی، تحلیلی تطبیقی است. روش گردآوری اطلاعات مطالعه اسنادی، کتابخانه‌ای و روش پویش‌گری نوین با مطالعه و بررسی تصاویر مرتبط از کتب مرجع است؛ همچنین ابزار گردآوری مطالب از سایت‌های معتبر موزه‌ها انجام پذیرفته است. جامعه پژوهش، سه نگاره از سه شاهنامه (با مضمون مشترک روایت رویارویی رستم و سهراب و مرگ سهراب، در سه شاهنامه ذکر شده در عنوان) است. روش انتخاب نمونه‌ها، هدفمند و غیرتصادفی بوده و نگارش در رابطه با سه نگاره

می‌دهد و از طرفی، لغزش‌ها و رذایل اخلاقی و نتایج آن‌ها را نیز عنوان می‌کند؛ بنابراین شاهنامه هم اثری حماسی است و هم با کارکردهای تعلیمی آن، «اگر آن را جزء ادب تعلیمی قرار دهیم رواست (داوری، ۱۳۹۳: ۱۵۷). تراژدی می‌تواند منشأ جداگانه‌ای از خیر و شر را بازنماید، هراس را برانگیزد و سبب تزکیه نفس انسان شود. رستم و سهراب در میان غننامه‌های ادبیات در ایران، جایگاه خاصی دارد. از عوامل اصلی این روایت، فریبکاری و دروغگویی است که در این داستان، نقشی بااهمیت دارند. فردوسی فاجعه‌آفرینی این خصایص را در قالب شعر بازگو می‌کند. در ادامه، با توجه به عنوان مقاله، رابطه متن و نگاره «کشتن رستم سهراب را و نشانه‌یافتن و زاری بر او» در سه شاهنامه مورد پژوهش مقایسه و عیارسنجی می‌شود. شاهنامه فردوسی، مجموعه‌ای غنی از روایت‌هایی است که همراه با عناصر ساختاری، بسیار جهان‌شمولند. مفهومی به نام «تراژدی» در بسیاری از آن‌ها، شکل‌دهنده درون‌مایه‌ی آن‌هاست. هم‌نشینی شاهنامه و نگارگری باعث ایجاد آثاری ارزنده، مانند سه نسخه مورد پژوهش در این مقاله، در تاریخ نگارگری شده است و البته بار تراژیک روایت‌ها به غنای فرهنگی و همچنین پیچیدگی نگارگری‌ها کمک کرده است. داستان «کشتن رستم سهراب را و نشانه‌یافتن و زاری بر او» در شاهنامه فردوسی بدین‌گونه آمده است:

«کنون بند بگشای از جوشنم

برهنه نگه کن تن روشنم
چو بگشاد خفتان و آن مهره دید

همه جامه بر خویشان بر درید
همی گفت کای کشته بر دست من

دلیر و ستوده به هر انجمن
... چنین گفت با سرفرازان که من

نه دل دارم امروز گویی نه تن
یکی دشنه بگرفت رستم بدست

که از تن ببرد سر خویش پست
بزرگان بدو اندر آویختند

ز مژگان همی خون فرو ریختند»
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۲)

به دلیل نوع تراژیک خود، باید به فاجعه منتهی شود. این ویژگی، رویدادها را به سمت طرحی خاص جهت می‌دهد و در نتیجه این‌گونه برداشت می‌شود که رویدادها براساس نیت نویسنده و نوع تراژدی چیده شده‌اند و هیچ گریزی از فاجعه نیست. از طرفی منطق و احتمالاتی که به واسطه رخدادها در متن ایجاد می‌شود، باعث شده تا این‌گونه برداشت شود که خاصیت علی و منطقی رویدادها باعث به وجود آمدن چنین فاجعه‌ای شده است (اکبری‌زاده، ۱۳۹۷: ۷۳). رستم، کنشگر قهرمانی است که دچار خطایی هویتی شده و ساختار خانواده ایرانی را از طریق ازدواج با فردی غیرایرانی مخدوش کرده است؛ از این‌رو باید خواسته یا ناخواسته منتظر مجازات وی بود (کزازی، ۱۳۶۸: ۷). عوامل دخیل در روایت این تراژدی که به دست رستم صورت می‌گیرد، در ادامه توضیح داده شده است. روایت رستم و سهراب مانند دیگر روایت‌های سنتی، براساس نوعی منطق خطی حرکت می‌کند؛ یعنی رخدادها بدون هیچ‌گونه به هم خوردن زمانی و علی، پشت سر هم می‌آیند. نتیجه این توالی زمانی، سؤال «بعد چه؟» خواهد بود و همین امر نوعی همبستگی را میان رخدادها ایجاد می‌کند که موجودیت و هستی هر رخداد را به رخداد قبلی منوط می‌کند. گم‌شدن اسب رستم، آشنایی با تهمینه، ازدواج و در نتیجه زاده شدن سهراب رویدادهایی است که به صورت خطی، پشت سر هم آمده‌اند. این امر باعث می‌شود تا خواننده، تمامی کنش‌ها را مرتبط با یکدیگر بداند (اکبری‌زاده، ۱۳۹۷: ۷۸). سهراب قدرتمندترین فرد داستان است و در عین حال، مظلوم‌ترین ایشان. وی قربانی از پیش‌مشخص‌شده‌ای است که مرگ از آغاز برایش تعیین شده است.

کشتن سهراب توسط رستم در شعر فردوسی در شاهنامه

شاهنامه فردوسی، جامع حماسه ملی قوم ایرانی و بخش مهمی از اساطیر ایرانیان است. اساطیر و حماسه‌های شاهنامه، در تاریخ سرزمین ایران و در خاطره جمعی راه یافته و مانند تاریخ واقعی با ملت حرکت کرده‌اند و بخشی از آموزش نسل‌ها را برعهده داشته‌اند. با نمایش داستان شاهان و پهلوانان و شخصیت‌های مثال‌زدنی، میهن‌دوستی، دلاوری، طالب نام بودن، شهامت، راستگویی و راستی، فضایل اخلاقی را آموزش

اطلاعات نسخه‌های مورد بررسی

اطلاعات نسخه‌های مورد بررسی براساس تقدم زمانی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. اطلاعات نسخه‌های مورد بررسی (نگارندگان، ۱۴۰۳)

ردیف	اطلاعات نسخه‌شناسی	نمونه تصویری مورد پژوهش
۱	کشتن رستم سهراب را و نشانه‌یافتن و زاری بر او، نسخه شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه، نسخه‌برداری شده توسط غیاث‌الدین بایزید صراف، دارای بیش از هفتاد مینیاتور به سبک تیموری/ ترکمان، به تاریخ ۱۴۸۶)، ۲۳ جمادی‌الثانی ۸۹۱ هـ.ق. (۲۶ ژوئن ۱۴۸۶)، شماره شناسایی ۱۶۰۴۰۴۳۰ (URL1)	
۲	کشتن رستم سهراب را و نشانه‌یافتن و زاری بر او، نسخه موجود در موزه بریتانیا، معین مصور، ۱۶۴۹ م./ ۱۰۲۷ هـ.ق.، اصفهان، صفوی، آبرنگ مات، جوهر و طلا روی کاغذ، کد شناسایی ۱۹۲۲،۰۷۱۱،۰۲ (URL3)	
۳	کشتن رستم سهراب را و نشانه‌یافتن و زاری بر او، شاهنامه فردوسی به خط خلیل‌الله هفت‌قلمی در لاهور، ۱۷۲۰ م./ ۱۰۹۸ هـ.ق.، خط نستعلیق، جوهر سیاه و قرمز، نگارگری: عبدالسلام کشمیری و عبدالکریم کشمیری، نسخه دانشگاه هاروارد (URL2)	

تحلیل نگاره «کشتن رستم سهراب را و نشانه‌یافتن و زاری بر او» کتابخانه ملی فرانسه

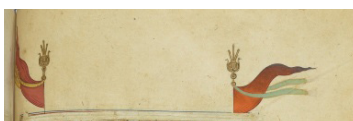
ترکیب‌بندی این نگاره به صورت مثلثی وارونه است که در درون خود مثلث وارونه دیگری نیز دارد که در آن حادثه اصلی به وقوع پیوسته است (تصویر ۱). ناظران بخش بالایی و پشت تپه‌ها با آرامش به نظاره واقعه ایستاده‌اند؛ برخلاف ناظران سمت چپ و راست رستم و سهراب که با ناراحتی

و حیرت به تصویر درآمده‌اند. در این نگاره برخلاف دو نگاره دیگر مورد تحلیل شخصی سر سهراب را در دامان گرفته و به شخصیت‌های انسانی اضافه شده است (تصویر ۲). شلوغی نگاره به توجه به مرکز نگاره، آسیبی وارد نمی‌کند. تنها درخت نگاره، درختی است با سه دسته برگ که اشاره به مضمون نگاره (رستم، تهمینه و سهراب) دارد که البته شکسته و به سمت پایین خم شده است. آسمان با ابرهای ریز و درشت،

به صورت کاملاً منظم در بالا و پایین تصویر شده‌اند: بخش بالا با اندکی تورفتگی در سمت راست دیده می‌شود. اشعار به کاررفته خلاصه‌ای از بخش‌های مهم روایت تراژدی رستم و سهراب است. خلاقیت و ساختارشکنی نگارگر با ادامه پرچم‌ها به خارج از کادر کلی به نمایش درآمده است (تصویر ۳). داشتن مهره روی بازو و همچنین جامه‌دریدن، هم در شعر و هم در نگارگری در این نگاره قابل مشاهده است. دشنه‌در دست گرفتن رستم پس از مرگ سهراب و قصد پایان دادن به زندگی خویش در تصویر و نمایش آن، به خواست نگارگر در تصویر پوشش داده نشده است. در جدول ۲، ویژگی‌های کیفی موجود در مصورسازی به کاررفته در نگاره «کشتن رستم سهراب را و نشانه‌یافتن و زاری بر او» شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه آورده شده است. در اینجا تژادی از نوعی که در ادبیات و نگارگری رخ می‌دهد، بر زندگی روزمره مخاطب تأثیرگذار نیست؛ بلکه به صورت غیرمستقیم و مراقبه‌ای، ابعاد زندگی درونی مخاطب، از جمله استدلال‌ها را تصحیح می‌کند و بهبود می‌بخشد؛ بنابراین، دانش ما را در رابطه با «همه آنچه مربوط به انسان است»، گسترش می‌دهد. تراژدی که محور اصلی این نگاره است با عناصر بصری، از جمله حرکت کج و مورب سر، انگشت حیرت به دهان از سوی ناظران، افتادن و مورب بودن شاخه‌های درخت، پریشانی ابرها در آسمان و جامه‌دریدن رستم قابل مشاهده است. به دلیل گسترش و پیشرفت رنگ در دوره تیموری، نگارگران در این نسخه، از این قابلیت و کمیت در جهت رسیدن به اهداف موضوع نگاره بهره گرفته‌اند. در این نگاره کادر عمودی است. بالای نگاره (سمت راست و چپ) قسمتی از پرچم از درون کادر بیرون رفته؛ گویی موضوع تراژدی و حتی طبیعت، بدون توجه به محدودیت کادر، ادامه پیدا کرده است (تصویر ۳).



تصویر ۲. کتیبه‌های بالا (سمت راست) و پایین (سمت چپ) به کاررفته در نگاره «کشتن رستم سهراب را و نشانه‌یافتن و زاری بر او» کتابخانه ملی فرانسه (نگارندگان، ۱۴۰۳)



تصویر ۳. خروج پرچم‌ها از کادر، جزئیات موجود در تصویر ۵ (URL1)

با بهره‌گیری از رنگ طلایی و سفید، به تصویر درآمده و به خصوص ابرهای درشت با فرم‌های پیچان به ایجاد فضای آشفته کمک شایانی می‌کنند. در مورد اصول کیفی حاکم بر نگاره می‌توان بیان کرد که کیفیت رنگ‌های سرد و گرم در کنار هم به ایجاد هارمونی انجامیده است؛ همه رنگ‌ها در عین حال درخشانند و نقش نمادین خود را به خوبی اعمال می‌کنند. رنگ لباس شخصیت‌های روی زمینه در تضاد با زمینه و در همین حال مناسب ویژگی‌های شخصیتی و با در نظر گرفتن اشعار شاهنامه، به درستی انتخاب و چینش شده‌اند. استفاده از این شگرد تاحد زیادی به موفقیت و چشم‌نوازی اثر افزوده است؛ این ترفند برای چینش شخصیت‌ها نیز به کار رفته است: استفاده از شخصیت‌های زیاد در نگاره و چینش آن‌ها در سراسر کار و در عین حال مد نظر قراردادن نظم و برنداشتن تمرکز مخاطب از رخداد اصلی. پای‌بندی نگارگر در بهره‌گیری از اشعار فردوسی در نگاره مشهود است: روایت ادبی تراژدی بسیار سنگین فرزندکشی. این بار مصیبت در پیکره‌ها و بیقراری اسب‌ها به خوبی بار معنایی شعر را با تصویر به دوش می‌کشد.



تصویر ۱. کشتن رستم سهراب را و نشانه‌یافتن و زاری بر او، نسخه شاهنامه کتابخانه ملی فرانسه، نسخه‌برداری شده توسط غیاث‌الدین بایزید صراف. دارای بیش از هفتاد مینیاتور به سبک تیموری / ترکمان، به تاریخ ۱۴۸۶، ۲۳ جمادی الثانی ۸۹۱ هـ.ق. (۲۶ ژوئن ۱۴۸۶)، شماره شناسایی (URL1) ۱۶۰۴۰۴۳۰

در مورد کتیبه‌های نگاره می‌توان خاطر نشان کرد که در قسمت بالا، بخش کوچک و در قسمت پایین بخش بیشتری از قاب نگاره را به خود اختصاص داده‌اند و به صورت کلی می‌توان گفت بخش اعظم نگاره در خدمت تصویرسازی است. این دو قاب

جدول ۲. بررسی اصول کیفی حاکم بر مصورسازی «کشتن رستم سهراب را و نشانه یافتن و زاری بر او» کتابخانه ملی فرانسه (نگارندگان، ۱۴۰۳)

ویژگی‌های کیفی	چینش عناصر انسانی	چینش عناصر گیاهی	ترفندهای نمایش حرکات انسانی	ترفندهای نمایش حرکات گیاهی	حرکات رنگی	نمایش همزمانی	نحوه چینش کلی		کادر (برش/ عدم برش)
							مقارن	نامقارن	
نحوه ارائه	اصلی: دومثلثی وارونه در هم	نمادین/ نامنظم	با استفاده از حرکات دست، چشمان، اسبها، جامه‌دریدن رستم، گریه و حیرت ناظران	جهت شاخه‌های درخت شکسته رو به پایین	رنگ‌های سرد و گرم و طلایی به صورت نمادین	عدم همزمانی	*		برش کادر به وسیله پرچم‌های بالای نگاره

تصویری رستم شده و نگارگران براساس نوعی پیش‌آگاهی و بدون توجه به داستان اصلی، رستم را با این کلاه به تصویر می‌کشند» (اکبری مفاخر، ۱۳۹۵: ۲۵۳).



تصویر ۴. کشتن رستم سهراب را و نشانه یافتن و زاری بر او، نسخه موجود در موزه بریتانیا، معین مصور، ۱۶۴۹م. / ۱۰۲۷ هـ.ق. ، اصفهان، صفوی، آبرنگ مات، جوهر و طلا روی کاغذ، کد شناسایی ۱۹۲۲،۰۷۱۱،۰،۲ (URL3)

کلاه کله‌پلنگی چشمانی باز دارد که گویی هشیار است و به اوضاع پیرامون آگاه است؛ زیرا در اکثر نگاره‌ها سمت چشمان کلاه موازی با سمت نگاه رستم است و جایی را که رستم می‌نگرد، نگاه می‌کنند (زمانی و فرخ‌فر، ۱۳۹۹: ۱۷۰). نکته قابل توجه در این نگاره، ترسیم رستم بدون کلاه (از فرط اضطراب و حزن تراژدی) است که در نوع خود بسیار خاص و شاخص است. رنگ لباس رستم، رنگ خاموش و پخته قهوه‌ای و بنفش و طلایی است و لباس سهراب از همین خانواده

تحلیل نگاره «کشتن رستم سهراب را و نشانه یافتن و زاری بر او» شاهنامه کتابخانه بریتانیا

در نگاره «کشتن رستم سهراب را و نشانه یافتن و زاری بر او» شاهنامه کتابخانه بریتانیا (تصویر ۴)، کتیبه‌ها در قسمت بالا و پایین نگاره آورده شده و در بخش سمت راست نگاره، با زاویه ۴۵ درجه، متمایل به بیرون و گوشه کادر اصلی، کتیبه‌ها بریده شده‌اند. در هشت قاب (چهار قاب بالا، چهار قاب پایین) به سوی بخش داخلی نگاره تک‌مصرع‌هایی به صورت کاملاً افقی، آورده شده‌اند. باقی اشعار با زاویه ۴۵ درجه نگاشته شده‌اند. نقطه آغاز نگاره، رستم است که در حال دریدن جامعه است. با گردش چشم بر سهراب، ناظر سمت چپ، ناظر سمت راست و ابزار و وسایل رستم، عناصر و شخصیت‌های درون بخش میانی نگاره، نظاره می‌شوند. ازسویی با دقت در چینش عناصر به ترکیب‌بندی مثلثی وارونه می‌رسیم که تزلزل و وحشت و عدم ثبات را در نگاره به نمایش می‌گذارد. در بخش بالایی نگاره، جهت حرکت چشم برای کوه‌ها و درختان، برعکس حرکت عناصر پایین نگاره، از راست به چپ است. درخت بالای سر رستم، خزان‌زده و فصل پاییز و درخت بالای سر رستم، بهار و سرسبزی را نمایش می‌دهد. نمایش همزمان دو فصل، به صورت نمادین به تجربه زیستی و سن رستم و سهراب اشاره دارد. رستم با دو ویژگی پوششی نمادین، از دیگر پهلوانان شاهنامه متمایز شده است. دو نماد کلاهخود دوشاخ، ساخته شده از سر (پوست سر دیو سفید یا کلاه کله‌پلنگی) و رزم جامه ببریان، که رستم را مصون از آب و آتش نگاه می‌داشت، شناسنامه تصویری رستم محسوب می‌شوند و رستم را به «ببریان‌پوش» و «پلنگینه‌پوش» شناخته شده کرده است. «درواقع کلاه کله‌پلنگی رستم، نماد

و غافلگیری این دو قهرمان را بعد از دانستن حقیقت ماجرا، به تماشا بنشینند. نگارگر برای نمایش تراژدی در این نگاره، از همزمانی فصل‌ها در پس‌زمینه نگاره بهره گرفته که فصل بهار (جوانی سهراب) و خزان (اشاره به رستم) را در یک قاب و به‌صورت همزمان ترسیم کرده است. زمینه این نگاره برخلاف رنگی که از دشت و محل رخداد انتظار می‌رود، با رنگ یاسی بنفش که هیچ‌گونه ارتباطی با مضمون و شعر ندارد، ترسیم شده است. رنگ زمینه قاب‌های اشعار (تصویر ۵) با رنگ طلایی موجود در البسه رستم و سهراب پوشیده شده است و بخش اعظم روایت فردوسی از داستان رستم و سهراب (واقعه اصلی) را پوشش داده است. گزینش اشعار برای کتابت، حول محور مضمون نگارگری شده است. داشتن مهره روی بازو و همچنین جامه‌دریدن و نشان‌دادن بی‌تابی در مرگ فرزند، هم در شعر و هم در نگارگری مورد استفاده قرار گرفته است. دشنه‌در دست گرفتن رستم پس از مرگ سهراب و قصد پایان‌دادن به زندگی خویش در تصویر گنجانده نشده است. در جدول ۳، ویژگی‌های کیفی موجود در مصورسازی به‌کاررفته در نگاره «کشتن رستم سهراب را و نشانه‌یافتن و زاری بر او» شاهنامه کتابخانه بریتانیا آورده شده است.

(نارنجی، آبی و طلایی) و در اوج شادابی و زندگی تصویر شده است. تصویرگر بنا بر روایت شعر، لحظه پس از تراژدی و برملاشدن راز سهراب را ترسیم کرده است. سهراب با پهلوی دریده، آرام و خونسرد به جامه‌دریدن رستم می‌نگرد. ناظران چپ و راست با اسب که در این نگاره به‌صورت نیمه ترسیم شده‌اند، به تصویر درآمده‌اند. حالات اسب‌ها غم و ناراحتی (فرم خمیده چشم‌ها) و حالات ناظران حیرانی و حیرت (با بهره‌گیری از حرکت دست) را به نمایش می‌گذارد. همچنین قابل ذکر است که مهره بازوی سهراب و نشان شناخت او، در این نگاره به تصویر کشیده شده است. عناصر گیاهی و تپه موجود در نگاره به سمت چپ نگاره (محل قرارگیری سهراب) تمایل دارند و خم شده‌اند. آسمان که حدود یک‌چهارم نگاره را به خود اختصاص داده، با ابرهای پراکنده، هم‌سو با مضمون نگاره ترسیم شده است.



تصویر ۵. کتیبه‌های بالا (سمت راست) و پایین (سمت چپ) به‌کاررفته در نگاره «کشتن رستم سهراب را و نشانه‌یافتن و زاری بر او» شاهنامه کتابخانه بریتانیا (نگارندگان، ۱۴۰۳)

این فرصت در اختیار مخاطب قرار گرفته است که حیرت

جدول ۳. بررسی اصول کیفی حاکم بر مصورسازی «کشتن رستم سهراب را و نشانه‌یافتن و زاری بر او» کتابخانه بریتانیا (نگارندگان، ۱۴۰۳)

ویژگی‌های کیفی	چینش عناصر انسانی	چینش عناصر گیاهی	ترفندهای نمایش حرکات انسانی	ترفندهای نمایش حرکات گیاهی	حرکات رنگی	نمایش همزمانی	نحوه چینش کلی		کادر (برش / عدم برش)
							مقارن	نامقارن	
نحوه ارائه	اصلی: مثلثی وارونه / مارپیچی	نمادین / نامنظم	با استفاده از حرکات دست، چشمان اسب‌ها، جامه‌دریدن رستم	جهت شاخه‌های درخت، نمایش جهت چینش برگ‌ها	رنگ‌های سرد و گرم و طلایی به‌صورت نمادین	همزمانی فصول	*		عدم برش کادر به‌وسیله عناصر موجود در کادر
	فرعی: عمودی / متقارن								
	فرعی: عمودی / متقارن / افقی (بخش بالایی نگاره)								

به جوانی و پختگی شخصیت‌ها به صورت نمادین) قرار دارد. تپه‌های ترسیم‌شده در پشت سر رستم، بخش اعظم نگاره را تشکیل می‌دهند که اشاره به پختگی و فراز و نشیب‌های زندگی رستم دارد. تمامی این موارد، بخشی از این اصول کیفی است. این مورد نیز مانند مورد قبل، از ترفندهای نگارگری به صورت نمادین استفاده کرده که در اشعار شاهنامه به این بخش اشاره نشده است. ناظرین در این نگاره و آن هم با فاصله‌ای که ترسیم شده‌اند، در متن روایت شعر شاهنامه نیامده‌اند و این بخش مربوط به ترفندهای نگارگری است. ناظر نزدیک به سهراب با لباس نارنجی و رنگ هیجان‌انگیز، به هیجانات سهراب در این رزم اشاره دارد و ناظر نزدیک به رستم با لباسی به رنگ دوگانه بنفش، اشاره به جنبه‌های شخصیت رستم است. «رنگ در نگارگری ایرانی اسلامی، نماد و رمزی برای محاکات حقیقت عالم مثال است. اگرچه رنگ‌ها در نگارگری به ظاهر رنگ‌های طبیعت را بازتاب می‌دهند؛ اما نگارگر هدف و مطلوبش رنگ فیزیکی نبوده است» (مرادخانی و عتیقه‌چی، ۱۳۹۷: ۵۶). خوش‌نویس این نسخه، خلیل‌الله هفت‌قلمی^۵ و در لاهور است. در این نگاره ویژگی‌های مطرح‌شده در شاهنامه برای شخصیت رستم به چشم می‌خورد؛ از جمله گرز و کلاه‌خود؛ اما نشان سهراب که مهره‌های بسته‌شده روی بازوی اوست، به چشم نمی‌خورد و نگارگر لحظه وارد کردن ضربه به پهلوی سهراب را برای ترسیم انتخاب کرده که چهره سهراب در سطوحی پایین‌تر از سایر شخصیت‌های این نگاره ترسیم شده است و در نهایت جهت چشم را به سمت خود می‌کشاند و می‌توان گفت که همه عناصر بصری، در خدمت تمرکز و نشان دادن لحظه اتفاق افتادن این تراژدی هستند؛ چراکه این نگاره لحظه قربانی شدن سهراب بر اساس تصمیمات افراد ذکر شده در روایت و البته به قول فردوسی، تقدیر و مرگ سهراب را نشان می‌دهد. حرکات دست همه شخصیت‌ها همسو با اتفاقی است که به وقوع پیوسته است؛ اما این جزئیات در اشعار فردوسی بازگو نشده است. ذکر این نکته لازم است که هیچ‌کدام از موارد رنگی و فضاسازی اطراف توسط فردوسی ذکر نشده و زاییده خلاقیت نگارگر و شرایط حاکم بر دوره ساخت نگاره است. داشتن مهره روی بازو، از جمله مواردی است که در روایت به آن اشاره شده و نگارگر بنا به سلیقه خود از نمایش آن برای مخاطب صرف‌نظر



تصویر ۶. کشتن رستم سهراب را و نشانه یافتن و زاری بر او، شاهنامه فردوسی به خط خلیل‌الله هفت‌قلمی در لاهور، ۱۷۲۰م، ۱۰۹۸ هـ.ق، خط نستعلیق جوهر سیاه و قرمز، نگارگری: عبدالسلام کشمیری و عبدالکریم کشمیری، نسخه دانشگاه هاروارد (URL2)

تحلیل نگاره «کشتن رستم سهراب را و نشانه یافتن و زاری بر او» شاهنامه دانشگاه هاروارد

این نگاره از شاهنامه دانشگاه هاروارد، حاوی کتیبه‌های منظم در بالا و پایین است. سمت راست نگاره، به تنهایی و بدون کتیبه امتداد یافته است. حرکت نگاره از سمت چپ و پایین آغاز می‌شود (با نیزه فرد سمت چپ هدایت می‌شود) (تصویر ۶) و پس از صعود و حرکت به سمت بالا به سمت پایین و به سهراب و سپس به فرد سمت راست نزول می‌کند. ترکیب‌بندی نگاره مثلی است. فرزندکشی^۴ گونه‌ای از این رفتارها و یا نمونه‌ای از سنت‌های خاص شمرده می‌شود که از ابتدای ظهور هستی در روایت‌های اسطوره‌ای بیان شده است. فرزندکشی ناشی از تنش موجود در روابط خانواده است که به مرگ فرزند منجر می‌شود؛ این گونه داستان‌ها به دو بخش تقسیم می‌شوند: پدر فرزندکش و مادر فرزندکش (اسدالهی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۱). فرم و ساختار نگاره از بنیان فکری روایت آن در شاهنامه ریشه می‌گیرد که همان اشاره به «فرزندکشی» است. سمت راست و چپ نگاره به نسبت قرارگیری شخصیت‌ها بنابر روایت، دارای اصول کیفی متفاوت با سوی دیگر است. افراد ناظر ایستاده در کنار رستم و سهراب متناسب و تقریباً با رده سنی، همسان آنان هستند و این بخش از نگاره در متن ادبی آورده نشده است. درخت پربر با دو پرده دورازهم‌نشسته (اشاره به رستم و سهراب) در سمت سهراب و درخت با شاخه کمتر در سمت رستم (اشاره

توازی که به به اثر بخشیده‌اند، به غیر از نگارش بخش‌هایی از مضمون نگاره، هیچ‌گونه ارتباطی با نگاره ندارند. کتیبه پایین با وجود مجزای بودن کارکرد بصری‌اش با نگاره، با دادن قدرت ایستایی، به کمک تصویر آمده است و تمرکز مخاطب را از تصویر به متن کم نمی‌کند؛ چراکه هدف اصلی نگارگر تمرکز بر نمایش مضمون با بهره‌گیری از تصویر است. با توجه به مطالب ذکرشده و مطالعه اشعار بالا و پایین نگاره، می‌توان گفت تمام اشعار فردوسی برای روایت کردن این واقعه، در این نگاره آورده نشده و فقط به موارد کلیدی و اصلی اشاره شده است. این کتیبه‌ها به صورت متوازن، با عناصر دیگر نگاره هماهنگ است. در جدول ۴ ویژگی‌های کیفی موجود در مصورسازی به کاررفته در نگاره «کشتن رستم سهراب را و نشانه یافتن و زاری بر او» شاهنامه دانشگاه هاروارد آورده شده است.

کرده است. جامه‌دریدن و نشان‌دان بی‌تابی در مرگ فرزند نیز یکی از مواردی است که در بخش ادبی به آن اشاره شده و در بخش تصویری نمایش داده نشده است. در شعر فردوسی، رستم پس از مرگ سهراب، قصد دارد با دشمن به زندگی خویش پایان دهد که این بخش نیز در تصویر گنجانده نشده است.



تصویر ۷. کتیبه‌های بالا (سمت راست) و پایین (سمت چپ) به کاررفته در نگاره «کشتن رستم سهراب را و نشانه یافتن و زاری بر او» شاهنامه دانشگاه هاروارد (URL2)

در مورد چگونگی جای‌گذاری متن در نگاره (تصویر ۷)، می‌توان عنوان کرد که با توجه به وجود کتیبه‌ها در بخش بالا و پایین، نیمه پایین نگاره، کتیبه متن بخش بیشتری را نسبت به بخش بالایی به خود اختصاص داده است. کتیبه‌ها با وجود

جدول ۴. ویژگی‌های کیفی موجود در مصورسازی به کاررفته در نگاره «کشتن رستم سهراب را و نشانه یافتن و زاری بر او» شاهنامه دانشگاه هاروارد (نگارندگان، ۱۴۰۳)

ویژگی‌های کیفی	چینش عناصر انسانی	چینش عناصر گیاهی	ترفندهای نمایش حرکات انسانی	ترفندهای نمایش حرکات گیاهی	حرکات رنگی	نمایش همزمانی	نحوه چینش کلی		کادر (برش/عدم برش)
							متمارن	نامتمارن	
نحوه ارائه	اصلی: مثلثی فرعی: عمودی/متمارنس	نمادین/منظم	با استفاده از حرکات دست	جهت شاخه‌های درخت/نمایش جهت چینش برگ‌ها	رنگ‌های تند در سراسر نگاره	عدم همزمانی	*	عدم برش کادر به وسیله عناصر موجود در کادر	عدم برش/عدم برش

انسانی و نوع پوشش، عناصر غیرانسانی مانند درخت، تپه‌ها، اشیای موجود در نگاره و چینش قاب‌های حاوی اشعار مربوط به مضمون، بسیار ساده و با قلم‌گیری یکدست به دلیل جداسازی سطوح عمل کرده و قصد نگارگر به تصویرکشیدن روایت ادبی شاهنامه فردوسی با بهره‌گیری از عناصر پرتکرار، مانند لباس رزم رستم و نمایش فرزندکشی است. نگارگر از نمایش دیگر جزئیات نگاره از قبیل مهره نشان سهراب که رستم از آن طریق سهراب را می‌شناسد، نیز صرف‌نظر کرده است و فقط لحظه دریدن پهلوی سهراب توسط رستم را به نمایش می‌گذارد. از مواردی که در هر سه اثر دیده می‌شود، لحظه نیم‌خیز شدن و ارتباط چشمی رستم و سهراب است (در نگاره یک و سه، این ارتباط، کلامی است و با حرکت دست

تطبیق نگاره‌های «کشتن رستم سهراب را و نشانه یافتن و زاری بر او»

نگاره «کشتن رستم سهراب را و نشانه یافتن و زاری بر او» در هر سه نگاره مورد تحلیل از شاهنامه‌های مصور فردوسی، با وفاداری به روایت ادبی شاهنامه فردوسی و با ویژگی‌های بصری و ترکیب‌بندی و همچنین اصول مکاتب هنری و مختص به دوره خود، با شرایط فرهنگی و مذهبی دوره مربوطه تصویرسازی شده است. نوع ترکیب‌بندی، تعداد پیکره‌ها و عناصر گیاهی و حیوانی و همچنین تحلیل بصری شخصیت‌های شاخص موجود در نگاره‌های مورد بررسی در این مقاله در جدول ۴ آورده شده است. نگاره ۳، به لحاظ ترکیب‌بندی و بهره‌گیری از ترکیب‌بندی برای چینش عناصر

سهراب نمایش داده می‌شود). در این لحظه، سخن در متن روایت شعری فردوسی عنوان شده است و سهراب از رستم درخواست می‌کند که تورانیان را رها کند و به ایران بازگردد. این بخش از روایت فقط در نگارهٔ ۳، با ترسیم افرادِ پشت‌تپه‌ها (به‌صورت نمادین و اشاره به سپاه توران) به تصویر کشیده شده است. سهراب در روایت فردوسی، نوجوانی چهارده‌ساله، با بدنی تنومند و پهلوانی است که در سه اثر، این ویژگی به تصویر کشیده شده و سهراب و رستم هردو با قامتی تقریباً یکسان نمایش داده شده‌اند. این رخداد طبق بیانات فردوسی هنگام غروب آفتاب رخ می‌دهد که فقط در نمونهٔ تصویری آن در نگارهٔ ۱، با ترسیم خورشید در سمت چپ نگاره و

شاخصه‌های بارز نگاره						
نوع ترکیب‌بندی			تعداد پیکره‌ها		شخصیت‌های انسانی شاخص	
دو مثلث وارونه	انسانی	حیوانی	گیاهی	رستم	سهراب	ناظران
دو مثلث وارونه	۱۳	۲ اسب	۱	با لباس رزم و بدون کلاه/ بدون حالت ناراحتی/ در حال جامه‌دریدن/ روبه‌روی سهراب	نیم‌خیز با لباس رزم/ نمایش نشان مهره بر بازو/ ناظر سر سهراب را بر دامن گذاشته/ با آرامش	ایستاده در دو سوی واقعه (حالت ناراحتی و حیرت)/ ایستاده پشت تپه‌ها (بدون حالت ناراحتی)
کشتن رستم سهراب را و نشانه‌یافتن و زاری بر او، نسخه‌ی شاهنامه‌ی کتابخانه‌ی ملی فرانسه، نسخه‌برداری‌شده توسط غیاث‌الدین بایزید صراف. دارای بیش از هفتاد مینیاتور به سبک تیموری/ ترکمان، به تاریخ ۱۴۸۶، ۲۳ جمادی‌الثانی ۸۹۱ هـ.ق. (۲۶ ژوئن ۱۴۸۶)، شماره‌ی شناسایی ۱۶۰۴۰۴۳۰ (URL1)						
مثلثی وارونه	۴	۲ اسب	۱۲	ناراحت؛ اما ثابت و بدون حس/ با لباس رزم/ بدون کلاه	با لباس رزم/ با نشان و مهره به بازو/ نیمه‌برهنه/ نیم‌خیز/ بدون حالت درد/ آرام/ با کلاه	حالت حیرانی/ ایستاده و سواره/ لباس فاخر و مجهز به ابزار جنگ
ژئو بشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رتال جامع علوم انسانی						
کشتن رستم سهراب را و نشانه‌یافتن و زاری بر او، نسخه‌ی موجود در موزه‌ی بریتانیا، معین مصور، ۱۶۴۹/ ۱۰۲۷ هـ.ق.، اصفهان، صفوی، آبرنگ مات، جوهر و طلا روی کاغذ، کد شناسایی 1922-0711.0.2 (URL3)						

۳		مثلی/ پویا	۴	۲ پرنده	۵	با لباس و کلاه رزم/ بدون احساس/ نشسته و هم سطح ناظران ایستاده/ خیره به روبه‌رو	مغلوب/ با لباس و کلاه رزم و بدون نشان و مهره/ افقی/ بدون احساس	با حالت حیرانی (حرکت دست به سمت گوشه دهان)/ ایستاده/ لباس فاخر و مجهز به ابزار جنگ
کشتن رستم سهراب را و نشانه‌یافتن و زاری بر او، شاهنامه فردوسی به خط خلیل‌الله هفت‌قلمی در لاهور، ۱۷۲۰ م./ ۱۰۹۸ هـ.ق.، خط نستعلیق جوهر سیاه و قرمز، نگارگری: عبدالسلام کشمیری و عبدالکریم کشمیری، نسخه دانشگاه هاروارد (URL۲)								

در نگاره ۲، عناصر انسانی، گیاهی، حیوانی و حاشیه اشعار با تنوع و جزئیات بیشتر ترسیم شده‌اند و جزئیات تصویری زیادی به چشم می‌خورد؛ اما درکل، سادگی در نمایش و پرداخت نیز بارز است. در نگاره ۳ عناصر انسانی بخش اعظم نگاره را به خود اختصاص داده‌اند و عناصر دیگر حاشیه، نقش کمتری در جلب توجه مخاطب ایفا می‌کنند. تعداد عناصر مکمل در نگاره ۲ بیشتر از سایر نگاره‌های مورد تحلیل در این مقاله است. در مورد نگارش متن روایت به صورت شعر در نگارگری در سه نگاره مورد بررسی، این نکته قابل ذکر است که متن به صورت منتخب و اشاره به رخداد اصلی کشتی دو پهلوان و مرگ سهراب آورده شده است. در سه نگاره، بخش مربوط به اشعار، فضای کمی به خود اختصاص داده و انتخاب نگارگر، تمرکز بر وجه تصویری و پرداختن به ماجرا و شخصیت‌ها به صورت نگارگری در میانه صفحه بوده است. در نگاره‌های این مقاله و بدون دیدن سایر صفحات نسخه‌ای که نگاره از آن انتخاب شده، می‌توان به کیفیات زیبایی‌شناختی نسخه به صورت کلی دست پیدا کرد؛ زیرا نگارگر علاوه بر پرداختن به ساخت و پرداخت روایت، به سایر عناصر فرمی، رنگ، ترکیب‌بندی، خط و سایر عناصر الزامی برای تبدیل شعر و مضمون به نگارگری توجه کرده است. موارد ذکر شده در این بخش، در جدول ۵ قابل مشاهده است.

اختلاف پدران با پسران، بر سر قدرت است و به دست آوردن قدرت بیشتر، نقش مهم و موثر، ولی پنهان در پسرکشی شاهنامه دارد. شاهان و پهلوانان اهرم‌های قدرت کشورها محسوب می‌شوند؛ قدرت را می‌طلبند و این عامل مهم، نقشی کلیدی در شکل‌گیری نبرد پدر و پسر در شاهنامه ایفا می‌کند؛ شاهنامه فردوسی صحنه نمایش فرهنگ و تمدن کهن ایران محسوب می‌شود.

در پاسخ به سؤال ۱ می‌توان گفت که یکی از مضامین نگارگری شده در شاهنامه‌های مصور، رستم و سهراب و نگاره «کشتن رستم سهراب را و نشانه‌یافتن و زاری بر او» است. در سه نگاره مورد پژوهش، کتیبه‌های متن ادبی در بالا و پایین نگاره آمده؛ با این تفاوت که در نگاره ۱ و ۳ قسمت پایین نگاره، کتیبه بخش بیشتری را به خود اختصاص داده است. ترکیب‌بندی مثلی در هر سه نگاره قابل مشاهده است؛ در نگاره ۳، قاعده مثلث به سمت پایین نگاره و در نمونه ۱ و ۲ به صورت غیرایستا روی یکی اضلاع مثلث است و در نگاره ۱، با دو مثلث تودرتو ترکیب‌بندی شکل گرفته است. در سمت راست و چپ رستم و سهراب ناظرانی به تصویر کشیده شده‌اند. در نگاره ۲ و ۳، دو نفر در سمت چپ و راست و در نگاره ۱، علاوه بر دو نفر ذکر شده، فرد سوم سر سهراب را بر دامن گذشته و در لایه بالای نگاره، لشکریان توران با نمایش هشت ناظر نمایش داده شده‌اند. نمادهایی مانند درخت، پرند و تپه، آسمان و ابر در این نگاره‌ها دیده می‌شوند که نگاره پرند فقط در نگاره ۳ دیده می‌شود. ابر و آسمان در نگاره ۳ بسیار کوتاه و با توجه کم پرداخته شده‌اند و در نگاره ۲ به طبیعت نزدیک و در نگاره ۱ با استفاده از ابرهای چینی ایجاد شده است. نشان مهره بر بازوی سهراب در نگاره ۱ و ۲ نمایش داده

نتیجه‌گیری

تراژدی بر پایان امری فاجعه‌بار در زندگی تأکید دارد که در ادبیات، گونه‌ای از روایت است. رویکرد تراژیک فراتر از رنج رفتن و تبدیل آن به وجهی نهایی برای زندگی است. بررسی مبحث تراژدی فرزندکشی در ادبیات نشان می‌دهد که

جز نگاره ۳ که از نمایش آن صرف نظر شده، در نگاره ۱ و ۲ قابل مشاهده است. همچنین دشنه در دست گرفتن رستم پس از مرگ سهراب و قصد پایان دادن به زندگی خویش که در بخش ادبی به آن اشاره شده، در هیچ کدام از نگاره ها گنجانده نشده است.

پی نوشت ها:

1. Aristotle
2. Pity، pathos، commiseration
3. Catharsis
4. Filicide

۵. خلیل الله پادشاه قلمی: برادرزاده میرمحمدحسین باخرزی خوشنویس و به قول صاحب گلستان هنر در خط نستعلیق از عم خود در گذشته بود. وی شاگرد سیداحمد مشهدی بود و در مشهد سکنی داشت و از حسن خط اعتباری به هم زده بود. هنگامی که شاه طهماسب صفوی به مشهد آمد، از وی سرمشق گرفت و در مراجعت شاه به عراق، در ملازمت وی به قزوین آمد. تاریخ وفاتش را سپهر سال ۱۰۲۲ ضبط کرده که البته درست نیست و چنان که گذشت به سال ۱۰۲۷ مخاطب به پادشاه قلم شده است و تاریخی که میرزا حبیب نقل کرده، یعنی سال ۱۰۳۵ ممکن است صواب باشد (بیانی، ۱۳۶۳، ۱۷۷).

منابع و مآخذ

- آیدنلو، سجاد (۱۳۹۰). دفتر خسروان. تهران: سخن.
- اتونی، بهزاد (۱۴۰۱). «رستم، پهلوانی از "عصر شکارگری" (فرضیه ای نو در باب خاستگاه اسطوره رستم)». پژوهشنامه / ادب حماسی (فرهنگ و ادب سابق)، دوره هجدهم، شماره ۱، صص. ۳۹-۶۱.
- اسداللهی، الله شکر؛ افخمی نیا، مهدی؛ کیفرخی، مهنوش (۱۳۹۲). «روان کاوی فرزندکشی در دنیای اسطوره های یونانی». مطالعات زبان و ادبیات فرانسه. دوره چهارم، شماره ۲ (پیاپی ۲)، صص. ۲۱-۳۴.
- اکبری زاده، محسن (۱۳۹۷). «تحلیل منطق و اسازانه روایت رستم و سهراب». پژوهشنامه / ادب حماسی، سال پانزدهم، شماره ۱ (پیاپی ۷۲)، صص. ۷۳-۹۲.

شده و در نگاره ۳، با لباس رزم و بدون نمایش مهره و نشان آمده است. رنگ های به کاررفته در سه نگاره، بسیار زنده و شاداب و بدون کدری است و در نگاره ۳ با شدت بیشتری این ویژگی به چشم می خورد. حرکات دست در هر سه نگاره در جهت باز نمود حیرت و غم موجود در نگاره است. در نگاره ۲، عناصر انسانی، گیاهی، حیوانی و حاشیه اشعار با تنوع و جزییات بیشتری ترسیم شده اند؛ اما در کل سادگی در نمایش و پرداخت نیز به چشم می خورد. در نگاره ۳ عناصر انسانی بخش اعظم نگاره را به خود اختصاص داده اند، در نگاره ۲، همسانی بخش های انسانی و طبیعت و در نگاره ۱ تعادل بین این دو دیده می شود. در سه نگاره مورد بررسی این نکته قابل ذکر است که متن به صورت منتخب و اشاره به رخداد اصلی کشتی دو پهلوان و مرگ سهراب آورده شده است. در پاسخ به سؤال ۲ می توان این گونه پاسخ داد که روش نمایش تراژدی رستم و سهراب در نگاره های مورد بررسی به صورت نمادین است و نگارگران با بهره گیری از فرم، رنگ، حالات و عناصر نمادین به این کار دست زده اند. از جهت میزان وفاداری به ادبیات، در هر نگاره عناصر یا عناصری هم سو با شعر و بعضاً از خیال نگارگر و بهره گیری از شیوه های مرسوم ایجاد نگاره قابل مشاهده است. در نگاره ۳، اشاره ای به جنبه بازشناسایی پدر و پسر نشده؛ ولی در عین حال از رنگ های نمادین و عناصری مانند دو پرنده در پس زمینه بهره گرفته شده است. نگاره ۲، لحظه اوج این روایت، ترسیم شده؛ ولی در چهره ها نشانی از غم و درد نیست و برای نمایش این حس، از حرکات دست استفاده شده است. در نگاره ۱، علاوه بر استفاده از عناصر نمادین مانند پرچم، لشکر توران و فرد سوم ناظر کنار سهراب، بیشترین میزان وفاداری به متن ادبی به چشم می خورد. در سه نگاره مورد پژوهش، انتخاب رنگ و غلبه رنگی و همچنین فضاسازی اطراف شخصیت های اصلی، درخت ها، آسمان، کوه و پرندگان (به صورت نمادین)، نمایش خلاقیت نگارگر و شرایط حاکم بر زمانه ایجاد نگاره هاست و توسط فردوسی ذکر نشده است. داشتن مهره روی بازو، از جمله مواردی است که در بخش ادبی به آن اشاره شده و و برخلاف نگاره ۱ و ۲، در نگاره ۳ در تصویر به چشم نمی خورد. داشتن مهره روی بازو و همچنین جامه دریدن و نشان دادن بی تابی در مرگ فرزند، به

- کزازی، جلال‌الدین (۱۳۶۸). *از گونه‌ای دیگر: جستارهایی در فرهنگ و ادب/ ایران*. تهران: مرکز.

- مرادخانی، علی؛ عتیقه‌چی، نسرين (۱۳۹۷). «تفسیر نشانه‌شناختی رنگ از منظر حکمی در نگارگری ایرانی اسلامی». *رهپویه هنرهای تجسمی*، سال یکم، شماره ۴، صص. ۵-۲۱. doi: 10.22034/ra.2019.241813

- نصرتی، زهرا؛ عطارزاده، عبدالکریم (۱۳۹۹). «نگرشی تطبیقی به ارتباط متن و زبان تصویری دست در نگاره‌های شاهنامه طهماسبی». *مطالعات تطبیقی هنر*، دوره ۱۰، شماره ۲۰، صص. ۷۹-۹۳.

- URL1: <https://gallica.bnf.fr/ark:/12148/bt-v1b84229967/f162.item>

- URL2: <https://museum.ganjoor.net/items/shahname-harvard->

- URL3: <https://shahnameh.fitzmuseum.cam.ac.uk/explore/objects/no-82-sohrab-slain-by-rostam>

References

- Akbari Mofakher, A. (2015). The handmaid's tale. Tehran. The center of the great Islamic encyclopedia, (Text in Persian).
- Aidanlu, S. (2011). Khosravan's book. Tehran: Sokhan, (Text in Persian).
- Akbarizadeh (Batlababadi), M. (2018). Analyzing the constructive logic of Rostam and Sohrab's narration. Research paper on epic literature. 15th year number one Consecutive 72. pp. 92-73, (Text in Persian).
- Assadollahi, A, Afkhaminia, M, & Keyfarohki, M. (2013). Etude psychanalytique de l'infanticide dans l'univers des mythes. Etudes de Langue et Littérature Françaises, 4 (2), 21-34, (Text in Persian).

- اکبری مفاخر، آرش (۱۳۹۵). *رزم‌نامه کنیزک*. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

- باقری خلیلی، علی‌اکبر (۱۴۰۲). «تحلیل معنایی بندهای شرطی در داستان رستم و سهراب». *پژوهش‌های دستوری و بلاغی*، سال سیزدهم، شماره ۲۳، صص. ۲۰۴-۲۲۳. doi: 10.22091/jls.2024.10249.1569

- بیدختی، محمدعلی؛ نخعی، مهلا؛ تسلیمی، نصرالله (۱۳۹۷). «تطبیق عنصر نوشتار و تصویر در شاهنامه بایسنقری کاخ‌موزه گلستان با تکیه بر رویکرد بینامتنیت». *نگارینه هنر اسلامی*، دوره ۱۰، شماره ۵، صص. ۷۱-۸۶. doi: 10.22077/ nia.2019.2240.1187

- بیانی، مهدی. (۱۳۶۳). *حوال و آثار خوشنویسان*. چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی.

- داوری، پریسا (۱۳۹۳). «ارزش‌های تعلیمی امثال شاهنامه». *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*، سال ششم، شماره ۲۱، صص. ۱۵۷-۱۹۳.

- زمانی، نفیسه؛ فرخ‌فر، فرزانه (۱۳۹۹). «توصیف و بررسی پوشاک رستم در شاهنامه دست‌نویس ۹۵۳ ه.ق. پاریس». *پژوهش‌نامه ادب حماسی*، سال شانزدهم، شماره ۱ (پیاپی ۲۹)، صص. ۱۷۹-۱۵۷.

- سالاری، مریم؛ بلخاری، حسن؛ تاکی، شادی (۱۴۰۲). امتداد اسطوره متن رستم و سهراب در داستان شهادت حضرت علی‌اکبر (ع) در نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای بر مبنای نظریه ژیلبر دوران. *رهپویه حکمت هنر*، دوره ۱۰، شماره ۲، صص. ۱۹-۱۰. doi: 10.22034/rph.2023.556164.1015

- سپاهی، محمداکبر؛ دامنی، سعید (۱۴۰۰). «ناراستی و پنهان‌کاری شخصیت‌ها در داستان رستم و سهراب از منظر ادب تعلیمی». *نقد، تحلیل و زیبایی‌شناسی متون*. سال چهارم، شماره ۲، صص. ۷۸-۹۷.

- شاطری، میترا؛ اعراب، علی (۱۳۹۴). «بررسی نگاره‌های مربوط به رستم و دیوسپید در نگارگری». *نگارینه هنر اسلامی*، سال پنجم، شماره ۲، صص. ۱۵-۲۷. doi: 10.22077/nia.2015.484

- فخر اسلام، بتول؛ عربیانی، اشرف (۱۳۸۹). «ژرف‌شناختی شخصیت «رستم». *ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد مشهد)*، شماره ۲۸، صص. ۱۹۱-۲۱۵.

somi, 1 (4), 5-21. doi: 10.22034/ra.2019.241813, (Text in Persian).

- Nosrati Z, Attarzadeh A. (2021). Comparative Approach to the Relationship Between Text and Hand Visual Language in Tahmasebi's Shahnameh Pictures, Journal of Motaleate-e Tattbiqi-e Honar; 10 (20) :79-93, (Text in Persian).

- Salari, M., Bolkhari Ghehi, H., & Taki, S. (2023). Extension of the Myth-Text of Rostam and Sohrab in the Story of Martyrdom of Hazrat Ali Akbar (AS) in Coffee House Paintings Based on Gilbert Durant's Opinions. Rahppooye, Hekmat-e Honar, 2 (2), 7-19. doi: 10.22034/rph.2023.556164.1015, (Text in Persian).

- Sepahi, M. A., & Damani, S. (2021). Deception and concealment in the story of Rostam and Sohrab of Shahnameh. Critique, Analysis and Aesthetics of Texts, 4 (2), 78-97, (Text in Persian).

- SHateri, M., & Aarab, A. (2015). Study of Rostam and Div-e Sepid Paintings in Miniature. Negarineh Islamic Art, 2 (5), 15-27. doi: 10.22077/nia.2015.484, (Text in Persian).

- Zekavat, S., & Ghazizadeh, Kh. (2021). An Analysis of presentation of Culture and Civilization Concepts in Jamshid Court Paintings in Tahmasp's Shahnameh. Ferdows Art, 2 (6), 32-49. doi: 10.30508/fhja.2022.534385.1096, (Text in Persian).

- Zamani, N., Farrokhfar, F. (2020). Description and review of Rostam's clothing in the handwritten Shahnameh of Paris 953 AH, The Journal of Epicliterature, Vol: 16, Issue: 1, (Text in Persian).

- Atoni, B. (2022). Rostam, a wrestler from the "Hunting era" (a new hypothesis about the origin of the myth of Rostam), The Journal of Epicliterature, Vol: 18, Issue: 1, (Text in Persian).

- Bagherikhalili, A. (2024). Semantic Analysis of Conditional Clauses in the Story of Rostam and Sohrab. Rhetoric and Grammar Studies, 13 (23), 204-223. doi: 10.22091/jls.2024.10249.1569, (Text in Persian).

- Bayani, M. (1984). The state and works of calligraphers. Second edition. Scientific Publications. Tehran, (text in Persian).

- Bidokhti, M. A., Nakhaye, M., & Taslimi, N. (2018). Comparison the Text and Illustrations in the Bāysonḡorī Shahname (Version of the Golestan Palace Museum) According to Intertextuality Theory. Negarineh Islamic Art, 5(15), 71-86. doi: 10.22077/nia.2019.2240.1187, (Text in Persian).

- Davari, P. (2013). Educational values like Shahnameh. Educational literature research paper. sixth year Number 21. 157 to 193, (Text in Persian).

- Fakhri Islam, B., Arabiani, A. (1389). Deep understanding of "Rostam" character. Persian literature of Mashhad Azad University. No. 28. 215-191, (Text in Persian).

- Ferdowsi, Abulqasem. (1960). Shahnameh Corrected by Jalal Khaleghi Matalaq. USA: New York., (Text in Persian).

- Kezazi, J. (1998). In another way: Essays in Iranian culture and literature. Tehran: Markaz, (Text in Persian).

- Moradkhani, A., & Atighehchi, N. (2019). Interpretation of semiology of the colour based on philosophical foundation Islamic Persian painting Research Paper. Rahppooye Honar-Ha-Ye Tajas-

A comparative study of the relationship between text and image in the painting “Killing Sohrab by Rostam and finding signs and lamenting over him” from the Shahnameh of Harvard University, the British Library and the National Library of France

Abolghasem Dadvar¹, Zainab Karimi Baba Ahmadi²

1- Professor of Art Research Department, Faculty of Arts, Al-Zahra University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

2- PhD student in comparative and analytical history of Islamic art, Faculty of Arts, Al-Zahra University, Tehran, Iran

DOI: 10.22077/NIA.2024.7664.1850

Abstract

One of the common themes in the illustrated Shahnamehs is the image of “Killing Rostam Sohrab and finding signs and lamenting over him”, which was depicted based on the common methods at the time of its creation. This writing, from the point of view of nature and method, is descriptive, analytical-adaptive, which is from the set of qualitative methods and is fundamental in terms of purpose. The collection of information is in the form of library and documents, and the body of study includes analysis, adaptation, and examination of the relationship between text and image in the subject of research; The research community is three images of three Shahnamehs (with the theme and Shahnamehs mentioned in the title). This article, in line with the goals, seeks to answer these questions: 1. Despite the same theme, what is the commonality between the images of this research? 2. What tricks has been used by the artist to display the visual narrative in the poem and the degree of fidelity to the text in the researched paintings? The results indicate that; In showing this narrative, the painters acted like a photographer and recorded the peak moment of the tragedy for the audience, which has a high dramatic load. The method of showing the tragedy of Rostam and Sohrab in the examined pictures is symbolic and the painters have used the form, color, moods and symbolic elements, in line with the period of creating the picture. The painters of the three versions, apart from using the literary narration in the main parts of the story, other things such as the surrounding environment and the people in the picture, have used imagination and painting tricks. main characters, can be seen in the text. It was faithful and other things are related to painting tricks.

Key words: Rostam and Sohrab, painting, Harvard Shahnameh, Tahmasabi Shahnameh, British Shahnameh, Illustrated Shahnameh.

1- Email: a.dadvar@alzahra.ac.ir

2- Email: Z.Karimi@alzahra.ac.ir